

مقایسه صفات شخصیت و پذیرش. تعهد در میان متأهلین دارای سبک شناختی

جذب‌کننده و سبک شناختی کاوش‌کننده

علی رسولی¹، * مجتبی دهقان²، محمدحسین عبدالهی³، مهناز شاه‌گولیان⁴

1. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه خوارزمی تهران (کرج)

2. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه خوارزمی تهران (کرج)

3. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی کرج

4. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی کرج

(تاریخ وصول: 95/09/05 - تاریخ پذیرش: 96/05/12)

Comparison of personality traits and acceptance - commitment among married A A Comparing the Personality Traits and Acceptance/Commitment among People with Assimilator Cognitive Style and Explorer Cognitive Style

Ali Rasooli¹, * Mojtaba Dehghan², Mohammad Hossien Abdollahi³, Mahnaz Shahgholian⁴

1. M.A Student of General Psychology, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran

2. M.A Student of General Psychology, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran

3. Associate Professor, Department of Psychology, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran

4. Associate Professor, Department of Psychology, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran

(Received: Nov. 25, 2016 - Accepted: Aug. 03, 2017)

Abstract

Introduction: People's cognitive style is important in their attitudes and lives. Besides, it is associated with their personalities and experience of emotions. Therefore, the aim of this study was comparing the personality traits and acceptance/commitment among married people with Assimilator cognitive style and Explorer cognitive style. **Method:** The design was causal-comparative and the population of the study consisted of all adults that were living in Mazandaran city, and among them 130 married men and women (65 women and 65 men) were selected as sample through available sampling method. To collect data, the Scale of Cognitive Style, five Factor Personality Inventory (NEO-FFI) and second edition of Accepting and Action Questionnaire (AAQ-II) were used. For data analysis, multivariate analysis of variance was used. **Results:** The results showed that people with Explorer Cognitive Style and Assimilator Cognitive Style were significantly different in terms of personality traits of neuroticism, flexibility and conscientiousness and also were significantly different in terms of the degree of acceptance/commitment. However, there was no significant difference between two cognitive styles in terms of extraversion and openness to experience. **Conclusion:** Thus, the way people process information and also their Cognitive confrontation with problems can lead to tendency toward specific personality traits and differences in their acceptance or experimental avoidance.

Keywords: Cognitive Style, Assimilator, Explorer, Five Factor Personality, Acceptance and Commitment.

چکیده

مقدمه: با توجه به اهمیت سبک شناختی در نحوه نگرش و زندگی افراد و ارتباط آن با شخصیت و تجربه‌ی هیجانانگیز، هدف از پژوهش حاضر مقایسه صفات شخصیت و پذیرش - تعهد در میان متأهلین دارای سبک شناختی جذب‌کننده و سبک شناختی کاوش‌کننده بود. روش: پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه بزرگسالان ساکن شهر بابل تشکیل دادند و در انتخاب نمونه‌ی پژوهشی 130 زن و مرد بزرگسال متأهل به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس سبک شناختی A-E (مارتینس، 1995)، پرسشنامه شخصیتی 5 عاملی نئو (NEO-FFI) و پرسشنامه پذیرش و عمل همیز و همکاران (2004) استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که دو سبک شناختی کاوش‌کننده و جذب‌کننده از نظر صفات شخصیتی روان رنجور خوبی، انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی و از نظر میزان پذیرش/تعهد دارای تفاوت معناداری با یکدیگر هستند ولی در صفات شخصیتی برون‌گرایی و دل‌پذیری تفاوت معناداری بین آن‌ها دیده نشد. نتیجه‌گیری: به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که نحوه پردازش کردن اطلاعات و برخورد شناختی افراد با مسائل می‌تواند منجر به گرایش یافتن به سمت صفات شخصیتی و تفاوت در پذیرش یا اجتناب تجربی آنان بشود.

واژگان کلیدی: سبک شناختی، کاوش‌کننده، جذب‌کننده، پنج عامل شخصیت، پذیرش/تعهد.

مقدمه

شناختی جذب‌کننده و کاوش‌کننده⁶ پرداخت. این نظریه در ادامه توسط مارتینسن (1995) به‌طور تفصیلی مورد بررسی قرار گرفت. سبک‌های جذب‌کننده - کاوش‌کننده نشان‌دهنده تفاوت‌های افراد در ترجیح راهبردهای شناختی است. افرادی که دارای سبک شناختی جذب‌کننده هستند در رفتارهای مربوط به حل مسئله بر اساس قاعده و قانون‌های مشخص عمل می‌کنند و تمایل به تفسیر رویدادهای جدید بر اساس دانش موجود دارند، درحالی‌که افراد دارای سبک کاوش‌کننده به‌صورت افراد نوآوری به نظر می‌رسند که هنگام حل مسئله به دنبال راه‌حل‌های جدید می‌گردند بدون اینکه اجباری در این کار برای آن‌ها وجود داشته باشد (دیزت و مارتینسن، 2003؛ مارتینسن و فورنهام، 2015).

مسیک (1984)؛ به نقل از مارتینسن و دیزت، (2011) معتقد است ثبات و فراگیر بودن سبک‌های شناختی در افراد در زمینه‌های رفتاری گوناگون نشان‌دهنده‌ی ریشه‌های عمیق این سبک‌ها در ساختارهای شخصیتی است و درواقع آن‌ها صرفاً یک سری از مشخصه‌های مربوط به شناخت نیستند. بر همین اساس، سبک‌های شناختی به‌عنوان پلی میان دو حیطه شناخت و شخصیت دانسته می‌شود (اسمیت، 2001) و بین شناخت و شخصیت روابط مهمی قابل ترسیم است (گریفن، گوئیلی و هایل، 2015). مارتینسن و دیزت (2011) نیز به دنبال بررسی پایه‌های شخصیتی دو نوع سبک شناختی جذب‌کننده و کاوش‌کننده، به بررسی ارتباط بین

ازدواج رابطه‌ای انسانی، ظریف، پویا و پیچیده است و یکی از مهم‌ترین وقایع زندگی هر انسان بعد از تولد محسوب می‌گردد (سادوک و سادوک¹، 2001). با رخ دادن ازدواج، رضایت زوجین تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی، خصایص و سبک شناخت و زاویه نگرش آنان قرار می‌گیرد و در زمینه مسائل زندگی زناشویی بر اهمیت نقش متغیرهای شناختی در درک ماهیت این‌گونه روابط تأکید شده است (فینچام، 1994). درواقع، افراد در حل مسائل مختلف در روابط بین فردی از جمله در روابط زناشویی راهبردهایی را به کار می‌برند که تحت تأثیر رویکردهای نسبتاً ثابتی در نظام شناختی آنان بنام سبک شناختی² قرار دارد (بیرامی، هاشمی نصرت‌آباد، علیزاده و علیزاده، 1391).

سبک شناختی به‌عنوان تفاوت‌های فردی در روش‌های معمول افراد برای پردازش اطلاعات و یا به‌عنوان راهی برای نحوه فکر کردن، یاد گرفتن و حل مسئله، تعریف می‌شود (مسیک، 1976)؛ به نقل از مارتینسن و دیزت³، 2011؛ دیزت و مارتینسن، 2003). به‌طور کلی، سبک‌های شناختی نشان‌دهنده ترجیحات افراد برای کسب دانش و در صورت لزوم اصلاح دانش است (تنویر، آدیتیا و بانشی⁴، 2010). کافمن (1979)؛ به نقل از مارتینسن و فورنهام⁵، 2015) در جهت بررسی انواع سبک‌های شناختی، به بیان سبک‌های

6. Assimilator-Explorer cognitive styles

1. Sadock, Sadock
2. Cognitive Style
3. Martinsen & Diseth
4. Tanwir, Aditya & Banshi
5. Martinsen & Furnham

همبسته است (کور⁷، 2008) و زمانی که فرد بتواند هیجانانگیز خود را درک کند و از هیجانانگیز خود آگاهی داشته باشد، پذیرش او نسبت به هیجانانگیزش نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (خانزاده، ادیسی، محمدخانی و سعیدیان، 1392). به این معنی که احتمالاً فردی با شخصیت منعطف بهتر می‌تواند هیجانانگیز خود را بدون قضاوت کردن درباره آن‌ها مورد پذیرش قرار دهد و همانند نظام ارزش‌های شخصی، پذیرش⁸ نیز یکی از فرایندهای شش‌گانه‌ی اصلی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و فرآیند آموزشی پذیرش و تعهد (ACT⁹) معرفی شده است (امان‌الهی، حیدریان-حیدریان‌فر، خجسته‌مهر و ایمانی، 1393). فرآیند پذیرش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، به‌طور بالقوه توانایی برطرف کردن نشخوار فکری و سایر فرایندهای افسرده‌ساز را دارا است (والسر، گارورت، کارلین، میکی-تروکل، ریو و تیلور¹⁰، 2015). عمل متعهدانه نیز به معنای فعالیت معطوف به اهداف و ارزش‌های مشخص همراه با پذیرش تجارب ذهنی است (هریس، 2006؛ فرمن و هربرت، 2008؛ پور فرج‌عمران، 1390؛ رجیبی و یزدخواستی، 1393). نقطه مقابل پذیرش، اجتناب تجربی است (هیز و همکاران، 1996؛ به نقل از بشرپور، شفیع‌ی و دانشور، 2015) و فرض بر این است که اجتناب تجربی با هیجانانگیز منفی و مشکلات مقابله‌ای در ارتباط است (کاشدان، برین، آفرام و

سبک‌های شناختی با پنج عامل بزرگ شخصیت¹ پرداختند و مطرح کردند که سبک شناختی کاوش‌کننده با نمرات پایین افراد در روان رنجور خویی²، توافق‌پذیری³ و وظیفه‌شناسی⁴ و همچنین با نمرات بالا در برون‌گرایی⁵ و تجربه‌پذیری⁶ در مقایسه با افراد دارای سبک شناختی جذب‌کننده همراه است. مدل پنج عاملی شخصیت¹، در دهه‌های اخیر بانفوذترین مدل در توصیف صفات شخصیتی در پژوهش‌های حوزه شخصیت بوده است (تانگ، چن، یانگ، چانگ و لی، 2016؛ اوزورا، دان و ماسیک، 2010). در این مدل روان رنجور خویی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری پنج عامل بزرگ شخصیت هستند (چیونگ، چیونگ، زانگ، لیونگ، لیونگ و هائیه، 2008؛ اسوایدر و زیمرمن، 2010) که با شناخت، هیجانانگیز و رفتارهای فرد در تعامل و ارتباط می‌باشند. از سویی دیگر، از درونی‌ترین لایه‌های خود شخصیت نظام ارزشی شخص است و نظام ارزش‌های شخص بخشی مهم از فرآیند پذیرش و تعهد است (نیکوگفتار، 1386).

علاوه بر این، شخصیت با مؤلفه‌های هیجانانگیز و تجربه‌ی هیجان‌های فرد نیز می‌تواند در تعامل باشد. به‌عنوان نمونه، صفات شخصیت و تفاوت‌های فردی به‌ویژه برون‌گرایی و روان رنجور خویی با خلق، هیجان و پاسخ‌دهی محیطی

7. Corr

8. Acceptance

9. Acceptance and Commitment

10. Walser, Garvert, Karlin, Mickey Trockel,

Ryu, Taylor

1. Big Five Personality Traits (NEO)

2. Neuroticism

3. Agreeableness

4. Conscientiousness

5. Extraversion

6. Openness to experience

سبک‌های شناختی، صفات شخصیت، پذیرش - تعهد و وضعیت زناشویی زوجین بوده است. به‌عنوان مثال طبق پژوهش‌ها سبک شناختی و شخصیت پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی است (ثاباتی²، 1982) و در زندگی زناشویی بُعدی از انعطاف‌پذیری - خشکی در سبک‌های شناختی و الگوهای ارتباطی وجود دارد (لاری، تیندال و جیمز³، 1985) و بین الگوهای ارتباطی با رضایت رضایت زناشویی زوجین نیز رابطه وجود دارد (راگوف⁴، 2013). به عبارتی دیگر، سبک شناختی شناختی به‌واسطه تعامل با الگوهای ارتباطی مورد استفاده فرد بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارد.

سبک‌های شناختی خاص با الگوها و صفات شخصیت خاص همراه است (چیونگ، چیونگ، زانگ، لیونگ، لیونگ و هائیه، 2008؛ اسواید و زیمرمن، 2010) و برخی سبک شناختی را ویژگی تغییرناپذیری از شخصیت دانسته‌اند (رایدینگ و کما⁵، 1991؛ روبرتز و نیوتن⁶، 2000). طبق پیشینه پژوهشی صفات برون‌گرایی با سبک‌های شناختی تجربه عینی و آزمایشگری فعال همبستگی مثبت و با سبک‌های مشاهده تأملی و مفهوم‌سازی انتزاعی همبستگی منفی دارد (حسینی‌نسب، روئین و سلطان‌القرابی، 1385). همچنین صفات گشودگی به تجربه و وجدان نقش مؤثری در پیش‌بینی سبک شناخت انتقادی دارند (سلیمانی‌فر، بهروزی و صفایی مقدم، 2015) و بین بینش شناختی و رضایت زناشویی

ترهام¹، 2010). آثار منفی اجتناب تجربی و نحوه رویارویی با هیجانات را در کیفیت روابط بین فردی (ازجمله روابط زناشویی) نیز می‌توان دید. در حقیقت، واقعی محسوب کردن افکار ارزیابان منفی و عمل بر طبق آن‌ها می‌تواند چرخه رابطه منفی بین زوجین را حفظ نماید (پترسون، ایفرت، فین‌گولد و دیویدسون، 2009)؛ بنابراین این‌چنین می‌توان استنباط کرد که زوجین هنگام برخورد با افکار و هیجانات منفی، اجتناب را به‌عنوان راه-حلی برای دوری از تنش و هم‌چنین دست‌یابی به آرامش می‌دانند و در پردازش اطلاعات هیجانی خود، کارآمد و دارای پذیرش و تعهد در قبال این اطلاعات هیجانی نیستند. درواقع، این افراد نیازمند تعدیل نگرش و سبک شناختی خود برای بازنگری افکار و هیجانات منفی خود می‌باشند زیرا سبک‌های شناختی به‌عنوان فرایندی است که توانایی‌ها و مهارت‌های بازسازی شناختی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ویتکین و همکاران، 1979؛ به نقل از قطبی‌ورزنده، زرغامی، ساعمی و ملکی، 1391). بعلاوه، با توجه به این‌که سبک‌های شناختی روش‌هایی است که افراد برای گرایش و یا اجتناب از موقعیت‌های مختلف به کار می‌برند (ویتکین و همکاران، 1979؛ به نقل از هاشمی، 1390)؛ بنابراین می‌توان ریشه‌هایی از گرایش و پذیرش و یا اجتناب از افکار و هیجانات منفی و تجارب ناخوشایند را در سبک‌های شناختی افراد جستجو کرد. علاوه بر این، پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نیز به-صورت مستقیم و غیرمستقیم نشانگر روابطی میان

2. Sabatelli

3. Larry, W. Tyndall., & James

4. Rogoff

5. Ridding & Cheema

6. Roberts & Newton

1. Kashdan, Breen, Afram & Terhar

رشیدی و گل‌محمدیان، 2016). همچنین، بین عشق پرشور، تعهد عاطفی و استمرار تعهد ارتباط مثبت و وضعیفی وجود دارد (کاکا، آسفاروگلا و ارباس²، 2015).

از آنجا که عمده مطالعاتی که در زمینه سبک‌های شناختی صورت گرفته است، به بررسی سبک‌های شناختی ویتکین و کلب پرداخته‌اند (برای مثال کشاورز، جعفری، سلحشور و وزیر، 1392؛ حکیمی، حجازی و لواسانی، 1393؛ لینگ و سالوندی³، 2009؛ هانگ، هوانگ، تام، لائی و لیو⁴، 2012؛ نعیمی، ابوزید، سراج، شاقولی و حجائلی، 2010؛ فریاز - مارتینز⁵ و همکاران، 2007؛ نقل از یان⁶، 2010) و در زمینه سبک‌های شناختی مارتینسن (جذب‌کننده و کاوش‌کننده) به‌خصوص در کشور ما تحقیقات بسیار محدود است و با در نظر گرفتن این موضوع که تاکنون تحقیقی در زمینه بررسی الگوی یکپارچه بررسی روابط بین سبک‌های شناختی، صفات شخصیت و پذیرش و تعهد در مورد زوجین انجام نشده است، لذا هدف تحقیق حاضر مقایسه صفات شخصیت و پذیرش - تعهد در میان متأهلین دارای سبک شناختی جذب‌کننده و سبک شناختی کاوش‌کننده است.

روش

روش این پژوهش، پس رویدادی از نوع علی - مقایسه‌ای است. در این پژوهش متغیر گروه‌ها

زوجین نیز رابطه وجود دارد (نبی‌زاده اصل و میرزایی، 2016). به‌علاوه بین صفت نوروگرایی با رضایت زناشویی رابطه منفی و بین صفات مقبولیت و گشودگی به تجربه با رضایت رابطه مثبتی دیده شده است (بهروز، محمدی، علی - آبادی، کجباف، حیدری‌زاده و بهروز، 2014). در مطالعه‌ای دیگر بین صفات برون‌گرایی، سازگاری و مسئولیت‌پذیری با تعهد زناشویی رابطه مثبت و بین صفات روان رنجور خوئی و گشودگی به تجربه با تعهد زناشویی رابطه منفی معناداری مشاهده شد (حسینی، زهراکار، داورنیا، شاکرمی، محمدی، 2015) و بین زوج‌های متعارض و زوجین عادی از نظر صفات برون‌گرایی، وجدان و روان رنجور خوئی تفاوت معناداری دیده شد ولی در صفات توافق‌پذیری و انعطاف‌پذیری تفاوتی مشاهده نگردید (حسینی، خلقی، جابری، صدیقی، صالحی، تفویضی و همکاران، 1391). از سوی دیگر، شیوه شناخت شخص و میزان پذیرش - تعهد او نیز با هم مرتبط‌اند (هیز و استروسال¹، 2010؛ والسرو و همکاران، 2015). آموزش پذیرش و تعهد در کاهش فرسودگی زناشویی زوجین و بهبود وضعیت زناشویی آنان مؤثر است (مرشدی، داورنیا، زهراکار، محمودی و شاکرمی، 2016) و موجب افزایش شادی زناشویی زوجین می‌گردد (عظیمی‌فر، فاتحی‌زاده، بهرامی، احمدی و عابدی، 2016). آموزش پذیرش - تعهد جز در مورد مؤلفه‌های مدیریت مالی، فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی و دوستان باعث افزایش سایر مؤلفه‌های رضایت زناشویی شده است (موسوی،

2. Caki, Asfuroglu, Erbas

3. Ling & Salvendy

4. Hong, Hwang, Tam, Lai, Liu

5. Frias-Martinez

6. Yan

1. Hayes & Strosahl

سنی اولین ازدواج برای مردان و زنان (مرکز آمار ایران، 1393) در این دوره از زندگی قرار دارد و هم‌چنین با در نظر گرفتن آمار و ارقام ارائه شده توسط مرکز آمار ایران (1393) که نشان‌دهنده میزان بالای طلاق در سنین مختلف این دامنه سنی نسبت به مجموع سایر سنین طول عمر است و از طرفی با در نظر گرفتن این نکته که نرخ کلی طلاق نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، 1393) که نشان‌دهنده حساسیت این دوره از زندگی از لحاظ لزوم ایجاد و ماندگاری روابط زناشویی مناسب است، می‌توان به لزوم شفاف‌سازی هرچه بیشتر متغیرهای روان‌شناختی دخیل در کیفیت روابط زناشویی در این دوره از زندگی اشاره کرد. هم‌چنین به‌منظور طبیعی‌تر بودن نتایج تحقیق سعی بر آن شد افراد متأهلی که یک سال از ازدواج آن‌ها سپری شده بود وارد تحقیق شوند. این امر به علت کنار گذاشتن تأثیرات احتمالی مرحله شور و اشتیاق فراوان برای تجربه زناشویی در ایام ابتدای زندگی زناشویی و در نتیجه وارد شدن زوجین به روال نسبتاً معمول زندگی زناشویی است. در ادامه، با توجه به این‌که سابقه طلاق می‌تواند با نمرات بالاتر در ویژگی‌های شخصیتی مانند روان رنجور خوئی (زارعی محمودآبادی، 1391؛ بهروز و همکاران، 1393)، برون‌گرایی و تجربه‌پذیری در ارتباط باشد (زارعی محمودآبادی، 1391)، بنابراین به‌منظور اجتناب از ایجاد این شبهه که افراد دارای سابقه طلاق در زندگی گذشته نسبت به افراد عادی دیگر، از لحاظ برخی ویژگی‌های شخصیتی در سطح بالاتری قرار دارند و در واقع

(بزرگ‌سالان متأهل با دو نوع سبک شناختی متفاوت) به‌عنوان متغیر مستقل و متغیرهای صفات شخصیتی و پذیرش / تعهد به‌عنوان متغیرهای وابسته بود.

جامعه‌ی، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه بزرگ‌سالان ساکن شهر بابل تشکیل دادند. با توجه به این‌که در پژوهش‌های علی مقایسه‌ای، حجم نمونه حداقل 30 نفر در هر گروه توصیه می‌شود (دلاور، 1391)، در پژوهش حاضر 130 زن و مرد بزرگ‌سال متأهل به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به این ترتیب بود که افراد نمونه در مکان‌های عمومی و تفریحی شهر انتخاب شدند و بعد از ایجاد اعتماد در آنان در مورد محرمانه ماندن پاسخ و پس از ارائه توضیحات کافی توسط پژوهشگر، از شرکت‌کنندگان درخواست شد که به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند. هم‌چنین محقق در ادامه به افراد شرکت‌کننده اطمینان داد که اطلاعات و نتایج حاصل از این پژوهش تنها در راستای اجرای کارهای علمی - پژوهشی و با هدف افزایش آگاهی علمی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش حاضر، داشتن سن بین 20 تا 45 سال (دوره بزرگ‌سالی)، تجربه‌ی حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک و نداشتن سابقه طلاق بود دلیل انتخاب افراد متأهل از دامنه سنی 20-45 سال، حساسیت ویژه این دوره از زندگی از لحاظ مقوله ازدواج و هم‌چنین طلاق و به‌طور کلی روابط زناشویی است. در واقع با توجه به اینکه میانگین

ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ 0/66 برآورد نمود و در پژوهش هاشمی (1390) نیز ضریب آلفای کرونباخ 0/78 حاصل شد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با 0/68 به دست آمد.

پرسشنامه شخصیتی 5 عاملی نئو (NEO-FFI):

این آزمون شخصیتی که توسط مک‌کری و کاستا (1986) تحت عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد، نسخه کوتاهی از آن تحت عنوان پرسشنامه 5 عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI) بر اساس تحلیل عاملی نمرات NEO-PI تهیه شد که شامل 60 سؤال است و پنج عامل بزرگ شخصیت را می‌سنجد؛ این عوامل عبارت‌اند از (اویا و همکاران، 1995؛ به نقل از روشن چسلی، 1385): روان رنجور خوبی، برون‌گرایی، گشودگی یا دلپذیر بودن، سازگاری یا انعطاف‌پذیر بودن و مسئولیت‌پذیری یا با وجدان بودن. برای هر عامل نمره نهایی آن عامل به دست می‌آید که نمره‌ای از صفر تا 48 است. در این مقیاس، آزمودنی در پاسخ به هر جمله از 60 سؤال بایستی یکی از گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم را انتخاب نماید. نمره‌گذاری این آزمون به صورت لیکرت است که دارای ارزش صفر تا چهار است (گروسی فرشی، 1380). کاستا و مک‌کرا (1986) ضریب آلفای این پنج عامل را بین 68% برای سازگاری تا 86% برای روان رنجور خوبی، گزارش کرده‌اند. درباره روایی این آزمون نیز گزارش‌هایی ارائه شده است. مک‌کرا و کاستا (1986) اظهار داشتند که ابزار کوتاه شده نئو (NEO-FFI) با فرم کامل آن

به‌منظور اجتناب از سودار شدن نتایج تحقیق، نمونه تحقیق حاضر از بین افراد متأهلی انتخاب شد که سابقه طلاق نداشتند.

ابزارهای پژوهش:

آزمون سبک شناختی A-E: آزمون سبک شناختی یا مقیاس A-E (مارتینس، 1995؛ دیست و مارتینس، 2003؛ نقل از هاشمی، 1390) مشتمل بر 34 گویه است. برای نمره‌گذاری از مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت بر اساس اینکه هر یک از گویه‌ها تا چه اندازه توصیف‌کننده فرد به هنگام حل مسئله هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. سطوح مقیاس مشتمل بر خیلی ضعیف توصیف می‌کند (1) تا خیلی خوب توصیف می‌کند (5)، است. نمرات بالاتر از میانگین (90) سبک کاوش‌کننده و نمرات پایین‌تر سبک جذب‌کننده را نشان می‌دهد، لازم به ذکر است که گویه‌هایی که نمایانگر سبک جذب‌کننده است، مانند: «من ترجیح می‌دهم از تغییرات عمده اجتناب نمایم» به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پاسخ‌گویی به آزمون فرد باید تصمیم بگیرد که کدام نوع از شرایط را بیشتر از همه دوست دارد؛ و تعیین کند که کدام یک از توضیحات نوعاً یا معمولاً بیشتر از همه رویکرد او برای حل مسائل را توصیف می‌کند، یا اینکه کدام نوع از موقعیت‌ها را بیشتر دوست دارد. در این مقیاس، هیچ پاسخ «درست» یا «غلطی» وجود ندارد. ضریب پایایی آزمون روی دانش‌آموزان دبیرستانی با استفاده از روش بازآزمون در فاصله 3 ماه 0/83 - 0/71 برآورد گردید (مارتینس، 1995). هاشمی کوچکسرایبی (1384، نقل از هاشمی، 1390)

بک، اضطراب، استرس و افسردگی و سلامت عمومی (12 پرسشی) همبستگی معنی داری نشان داد ($P = 0/01$). آلفای کرونباخ آن در جمعیت عمومی 0/82 و در گروه بیمار 0/76 به دست آمد. هم‌چنین همبستگی پرسشنامه‌ی پذیرش و عمل با پرسشنامه افسردگی بک و اضطراب حالت معنی دار بود (مونستس، نیلت، موراس، لاس و بوند، 2009؛ به نقل از عباسی و همکاران، 1391). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با 0/78 به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد، آزمون پیش فرض شامل شاخص‌های اعتباری تحلیل واریانس، آزمون لوین و نهایتاً از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار 22 - Spss استفاده گردید.

یافته‌ها

دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان این پژوهش، زنان و مردان بزرگسال (دامنه سنی 20 - 45 سال) می‌باشند که 50 درصد شرکت‌کنندگان مرد و 50 درصد آنان زن بودند. 36/4 درصد آنان دارای تحصیلات زیر دیپلم، 23/5 درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، 29/5 درصد آنان دارای تحصیلات لیسانس، 9/8 درصد آنان دارای تحصیلات ارشد و 0/8 درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. تعداد کل شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر 130 نفر بودند که برحسب نمره‌ای که آن‌ها در مقیاس سبک شناختی به دست آوردند با در نظر گرفتن خط برش این مقیاس، 63 شرکت‌کننده در گروه جذب‌کننده و

مطابقت دقیقی دارد و همبستگی بین این نسخه‌ها را بیش از 0/68 اعلام داشته‌اند. در ایران آزمون فوق‌نخستین بار توسط گروهی فرشی (1377؛ نقل از گروهی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی، 1380) هنجاریابی شد که پایایی و روایی مناسبی از آن به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ پنج عامل این مقیاس در دامنه‌ی 0/65 تا 0/78 به دست آمد.

پرسشنامه پذیرش و عمل (AAQ-2): این مقیاس به‌وسیله هیز و همکاران (2004؛ به نقل از عباسی، مولودی و ضرابی، 1391) تدوین شده است. نسخه اولیه‌ی آن شامل 32 پرسش بود. آخرین نسخه‌ی این پرسشنامه 10 پرسش دارد که بر روی یک مقیاس لیکرت 7 درجه‌ای از 1 (به هیچ وجه در مورد من صدق نمی‌کند) تا 7 (همیشه در مورد من صدق می‌کند) نمره‌گذاری می‌شود به‌وسیله بوند و همکاران (2011؛ به نقل از عباسی و همکاران، 1391) تدوین شده است. این پرسشنامه پذیرش، اجتناب تجربی و عدم انعطاف‌پذیری روانی را اندازه می‌گیرد. نمره‌ی بالا روی AAQ-2 نشان دهنده اجتناب تجربی بیشتر است در حالی که نمره پایین نشان دهنده پذیرش و عمل بیشتر است. میانگین ضریب آلفای کرونباخ آن برای گروه‌های گوناگون بالینی و غیربالینی (0/84-0/77) و روایی بازآزمایی 3 و 12 ماهه‌ی آن به ترتیب 0/81 و 0/78 به دست آمد. روایی و پایایی این نسخه از روایی و پایایی نسخه اولیه‌ی آن بیشتر بود و با متغیری‌هایی که نظریه پذیرش و عمل پیش‌بینی می‌کند، مرتبط بود. به‌علاوه این پرسشنامه با پرسشنامه افسردگی بک، اضطراب

علی رسولی و همکاران: مقایسه صفات شخصیت و پذیرش - تعهد در میان متأهلین دارای سبک شناختی جذب‌کننده و ...

67 شرکت‌کننده در گروه کاوش‌کننده قرار گرفتند. این دو گروه در ادامه ذکر شده است. که نتایج توصیفی و استنباطی حاصل از مقایسه‌ی

جدول 1. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای صفات شخصیتی، پذیرش - تعهد در دو گروه از سبک‌های شناختی

متغیرهای وابسته	سبک شناختی	میانگین	انحراف استاندارد
روان رنجور خوبی	جذب‌کننده	24/66	6/14
	کاوش‌کننده	22/06	5/75
برون‌گرایی	جذب‌کننده	29/88	9/97
	کاوش‌کننده	29/64	7/16
دلپذیری	جذب‌کننده	23/58	4/19
	کاوش‌کننده	23/76	5/42
انعطاف‌پذیری	جذب‌کننده	27/16	6/07
	کاوش‌کننده	29/58	5/56
وظیفه‌شناسی	جذب‌کننده	30/41	7/79
	کاوش‌کننده	34/40	7/15
پذیرش / تعهد	جذب‌کننده	37/19	11/13
	کاوش‌کننده	31/21	9/85

با توجه به نتایج، میانگین روان رنجور خوبی و پذیرش - تعهد در گروه سبک جذب‌کننده بیش از پذیرش - تعهد در گروه سبک جذب‌کننده است. در دلپذیری و برون‌گرایی میانگین گروه‌ها به هم نزدیک‌تر است.

جدول 2. آزمون شاپیرو و ویلک برای بررسی پیش‌فرض نرمال بودن داده‌های صفات شخصیت و پذیرش - تعهد در دو گروه

متغیر	آماره شاپیرو و ویلک	درجه آزادی	سطح معناداری
روان رنجور خوبی	0/968	41	0/291
	0/990	109	0/576
برون‌گرایی	0/960	41	0/154
	0/985	109	0/870
دلپذیری	0/964	41	0/211
	0/986	109	0/811
انعطاف‌پذیری	0/975	41	0/201
	0/971	109	0/902
وظیفه‌شناسی	0/960	41	0/152
	0/976	109	0/371
پذیرش و تعهد	0/959	41	0/151
	0/983	109	0/088

برای استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری جهت رعایت پیش فرض‌های آن، از آزمون‌های شاپیرو ویلک (بررسی فرض نرمال بودن در نمونه‌هایی با تعداد اندک)، ام‌باکس، لون و شاخص اعتباری لامبدای ویلکز استفاده شد.

با توجه به این‌که سطح معناداری به دست آمده از آزمون شاپیرو ویلک برای تمامی متغیرها بالاتر از 0/05 است ($P > 0/05$)، این متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

جدول 3. نتایج آزمون M باکس جهت بررسی ماتریس‌های کوواریانس متغیرهای صفات شخصیت و پذیرش - تعهد

سطح معناداری	درجه آزادی 2	درجه آزادی 1	F	آماره M باکس
0/071	16329/063	28	1/902	57/842

بر اساس آزمون ام‌باکس ($M = 57/84$ - باکس، $F = 1/902$ و $0/071 =$ سطح معناداری) که معنی‌دار نبوده است، شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس به درستی رعایت شده است.

جدول 4. نتایج آزمون شاخص‌های اعتباری تحلیل واریانس چند متغیری بر صفات شخصیت و پذیرش - تعهد گروه‌ها

سطح معناداری	F	ارزش	اثر
0/007	2/923	0/144	اثر پیلایی
0/007	2/923	0/856	لامبدای ویلکز
0/007	2/923	0/168	اثر هتلینگ
0/007	2/923	0/168	بزرگ‌ترین ریشه روی

نتایج شاخص‌های اعتباری مربوط به تحلیل واریانس چندمتغیری نیز بررسی شد که نتایج شاخص اعتباری لامبدای ویلکز در سطح معناداری $(P < 0/007, F = 2/293, 0/856)$ به دست آمد و بر این اساس، اجرای آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری مجاز است.

جدول 5. نتایج آزمون لون جهت بررسی پیش فرض همگنی واریانس گروه‌ها

سطح معناداری	df 2	df 1	F	متغیر
0/385	128	1	0/761	روان رنجورخویی
0/736	128	1	0/115	برون‌گرایی
0/160	128	1	1/99	دلپذیری
0/427	128	1	0/636	انعطاف‌پذیری
0/299	128	1	1/085	وظیفه‌شناسی
0/707	128	1	0/142	پذیرش/ تعهد

عدم معناداری نتایج نمره‌ی F آزمون لون نشان داد که پیش‌فرض عدم معنادار بودن نتایج این آزمون رعایت گردیده است. همچنین، نتایج آزمون کرویت بارتلت معنادار است (مجذور خی دو = 669/752).

که این نیز نشانگر همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته‌ی پژوهش حاضر برای ادامه تحلیل است.

جدول 6. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه‌ی دو سبک شناختی از نظر متغیرهای وابسته

منبع تغییرات	SS	Df	MS	F	سطح معناداری
گروه	176/352	1	176/352	5/133	0/025
	1/499	1	1/499	0/023	0/879
	0/868	1	0/868	0/033	0/856
	152/25	1	152/25	4/66	0/033
	413/912	1	413/912	7/68	0/006
	931/393	1	931/393	8/92	0/003
خطا	7397/617	128	34/356		
	8258/970	128	64/523		
	3355/601	128	26/216		
	4173/819	128	32/608		
	6891/388	128	53/839		
	133/63/384	128	104/401		

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول 4، دو سبک شناختی کاوش‌کننده و جذب‌کننده از نظر صفات شخصیتی روان رنجورخویی، انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی و از نظر میزان پذیرش / تعهد دارای تفاوت معناداری با یکدیگر هستند ولی در صفات شخصیتی برون‌گرایی و دلپذیری تفاوت معناداری بین آن‌ها دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری و بحث

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، میان سبک‌های شناختی جذب‌کننده و کاوش‌کننده از نظر برخی صفات شخصیتی (روان رنجورخویی،

انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی) و میزان پذیرش / تعهد تفاوت معناداری وجود دارد. در این مورد پیشینه‌ی پژوهشی اندکی وجود دارد و این یافته از برخی جهات با پژوهش‌های پیشین (حسینی‌نسب، روئین و سلطان‌القرابی، 1385؛ مارتینس و دیزت، 2011؛ سلیمانی‌فر، بهروزی و صفایی مقدم، 2015) هم‌راستا و در برخی موارد دارای نتایج متفاوتی است. این یافته‌ی پژوهش که افراد سبک جذب‌کننده دارای نمرات بالاتر در روان رنجورخویی هستند با پژوهش مارتینس و دیزت (2011) هم‌راستا است زیرا از آن جایی که از

ویژگی‌های بارز افراد روان رنجور، خصومت، اضطراب، افسردگی و احساس آسیب‌پذیری است (مک کرا و کاستا، 1989؛ به نقل از مورگان¹، 2008) و افراد جذب‌کننده نیز به علت اینکه گرایشی به تغییر طرح‌واره‌ها و ساختار شناختی از قبل موجود خود ندارند وقتی که تحت فشارهای محیطی مجبور به اعمال تغییراتی در این طرح‌واره‌ها می‌شوند یا اقدام به مقاومت کرده و با فشار و عصبانیت (متمرکز بر درون یا بیرون) برخورد می‌کنند یا اینکه اگر تغییراتی را در ساختار شناختی خود اعمال کنند این کار را با حالت‌هایی از احساس اجبار، آسیب‌پذیری و اضطراب انجام می‌دهند و در واقع فشار و احساس آسیب‌پذیری را تحمل می‌کنند که بر اساس تعریف تنویر و همکاران (2010) از سبک شناختی، این امر می‌تواند نشان‌دهنده عدم ترجیح آن‌ها برای کسب اطلاعات جدید و یا اصلاح اطلاعات موجودشان باشد. در حالی که با توجه به نتایج تحقیق مارتینسن و دیزت (2011) به نظر می‌رسد افراد کاوش‌کننده به این دلیل که نسبت به کسب تجارب جدید پذیرا تر هستند و به‌طور کلی تجربه‌پذیری بالایی را از خود نشان می‌دهند، بنابراین بر اساس سبک شناختی‌شان متمایل به تغییر ساختار شناختی خود و سازگار شدن با موقعیت جدید و اطلاعات جدید باشند و همچنین به نظر می‌رسد در موقعیت‌هایی که تغییر شناخت‌ها ضروری است بر خلاف افراد جذب‌کننده احساس اجبار و آسیب و اضطراب نمی‌کنند. همچنین بر اساس ارتباط بین وظیفه‌شناسی با سبک شناختی انتقادی (سلیمانی‌فر، بهروزی و صفایی مقدم،

2015)، برخورداری هر یک از زوجین از صفت وظیفه‌شناسی باعث داشتن نگرشی انتقادی به خود و دیگران است و فرد به جای عیب‌جویی از خود و دیگران، مسئولانه نگرشی منتقدانه و سالم از جمله در مورد کنش‌های خود دارد که می‌تواند باعث تغییر مسئولانه برخی ویژگی‌ها، افکار و رفتارهایی شود که تغییر آن‌ها لازم است و این به نوعی همان سبک شناختی کاوش‌کننده است که در پژوهش حاضر در صفت وظیفه‌شناسی نمره بالاتری از سبک جذب‌کننده داشته است. این گونه شناخت منتقدانه و در نتیجه منعطف نسبت به خود و دارا بودن صفت وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری باعث بهبود زندگی زناشویی می‌شود؛ همچنان که قبلاً نیز بین بینش شناختی (نبی‌زاده اصل و میرزایی، 2016) و پنج صفت بزرگ شخصیت (بهروز، محمدی، علی‌آبادی، کجباف، حیدری‌زاده و بهروز، 2014؛ حسینی، زهراکار، داورنیا، شاکرمی، محمدی، 2015) با وضعیت زناشویی رابطه دیده شده است.

از طرفی دیگر، هر چند که از نظر صفات دل‌پذیری و برون‌گرایی تفاوتی بین دو سبک شناختی دیده نشد اما این یافته‌ی پژوهش حاضر که افراد دارای سبک شناختی کاوش‌کننده در صفات انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی بالاتر از افراد دارای سبک جذب‌کننده بودند مخالف با نتایج پژوهش مارتینسن و دیزت (2011) بود. این یافته‌ی پژوهش حاضر مبنی بر نمرات بالاتر شرکت‌کنندگان کاوش‌کننده در صفات انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌تواند ناشی از این باشد که برخلاف جذب‌کننده‌ها که مایل‌اند با ترجیح پردازش منطقی، تحلیلی و مبتنی بر قاعده، رخدادهای جدید را بر حسب دانش

1. Morgan

پذیرش و تعهد همان دستیابی به آگاهی و سپس پذیرش فعالانه است و اینکه فرد بتواند از احساسات، شناخت‌ها و افکار خود و متفاوت بودن این شناخت‌ها و افکار از تمامیت خویش خود، آگاهی یابد (هریس²، 2006) وقتی فرد دارای سبک کاوش‌کننده است آمادگی بیشتری برای تغییر شناخت و افکار خود و انطباق دادن آن‌ها با موقعیت دارد (مارتینسن و فورنهام، 2015) زیرا ممکن است انجام تغییرات لازم در یک فکر و شناخت خود را معادل از دست دادن هویت و شخصیت خود نداند و این همان چیزی است که در پذیرش - تعهد به‌عنوان مؤلفه «گسلش شناختی» مورد تأکید است بدین معنا که فرد بپذیرد افکار او از او جدا هستند و چیزی بیش از وقایع خصوصی موقت نیستند (هریس، 2006)؛ و در چنین حالتی فرد ترسی از تغییر افکار و کاوش برای اصلاح و سازگار کردن شناخت‌ها با موقعیت موجود ندارد زیرا این طور که عنوان شد فرد کاوش‌کننده آمادگی تغییر و اصلاح طرح‌واره دارد و نتیجتاً چنین شخصی نسبت به شخص جذب‌کننده حد بالاتری از گسلش شناختی را نشان می‌دهد. درواقع، از آنجا شیوه شناخت و میزان پذیرش - تعهد شخص با هم ارتباط دارند (هیز و استروسال³، 2010؛ والسر و همکاران، 2015) بنابراین بر حسب اینکه فرد از چه نوع شیوه و چهارچوب شناختی برای تعامل با اشیا، رویدادها و انسان‌های اطراف از جمله همسرش بهره بگیرد میزان پذیرش - تعهد متفاوتی را نشان دهد. درواقع، از آنجایی که در زندگی زناشویی ابعاد سبک شناختی از جمله انعطاف‌پذیری - خشکی و همچنین

موجودشان تفسیر کنند (دیزت و مارتینسن، 2003؛ مارتینسن و فورنهام، 2015)، کاوش‌کننده‌ها از راهبردهای جستجوی اطلاعات به‌صورت کوشش و خطا استفاده می‌کنند و به‌واسطه استفاده از راهبردهای جستجوی اطلاعات و دیدگاه‌گیری رویکردشان به یادگیری عمقی است (دیزت و مارتینسن، 2003) به همین دلیل افراد کاوش‌کننده به علت جستجوی اطلاعات و گسترش دیدگاه برای دستیابی به فهمی جدید از یک موقعیت و مسئله که باعث شناخت عمیق‌تر از رویدادها و مسائل می‌شود، انعطاف‌پذیری و قدرت سازگاری بیشتری را کسب می‌کنند، زیرا گسترش اطلاعات و دیدگاه‌گیری یکی از راهبردهای سازگاران برای مدیریت هیجانات نیز است (گارنفسکی، بان و کرایج¹، 2005) و به همین دلیل کاوش‌کننده‌ها صفت انعطاف‌پذیری و سازگاری را نسبت به جذب‌کننده‌ها به گونه‌ای بارزتر نشان می‌دهند. همچنین، افراد کاوش‌کننده به دلیل آمادگی و اقدام برای تغییر و انطباق طرح‌واره‌های شناختی آگاهی بیشتری نسبت به یک موقعیت و زیر و بم یک مسئله پیدا می‌کند و این آگاهی و شناخت بیشتر می‌تواند به احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی بیشتر آنان منجر شود.

به‌علاوه، در پژوهش حاضر بین دو سبک شناختی کاوش‌کننده و جذب‌کننده از نظر میزان پذیرش / تعهد تفاوت معناداری به وجود آمد که این یافته را شاید بتوان با استناد به برخی بررسی‌های پیشین (کور، 2008؛ خانزاده و همکاران، 1392؛ هیز و استروسال، 2010؛ والسر و همکاران، 2015) تویحاً این‌گونه تبیین کرد که یکی از الزامات

2. Harris

3. Hayes & Strosahl

1. Garnefski, Baan, Kraaij

انتقال یابد و همچنین بنا به عدم وجود بی تفاوتی نسبت به افراد دیگر که این امر نشان‌دهنده ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری است (چیونگ، وان دِ ویجور و لیونگ²، 2011؛ لی و آرمسترانگ، 2015؛ تانگ و همکاران، 2016)، این اشتباه در رفتار و یا هیجانات ناخوشایند خود را می‌پذیرد؛ اما فرد جذب‌کننده چون میزان تغییرپذیری و سازگاری پایینی دارد خیلی نمی‌تواند هیجانات و یا تجربیات نادرست خود را بپذیرد و به آن‌ها متعهد شود زیرا با پذیرش و متعهد شدن به نادرستی آن‌ها مجبور به تغییر طرح‌واره‌های از پیش موجودش می‌شود یعنی چیزی که برای چنین افرادی کمتر رخ می‌دهد، به همین دلیل این افراد اجتناب تجربی و هیجانی بیشتری را تجربه می‌کنند؛ زیرا همچنان که اشاره شد سبک‌های شناختی به روش‌های مختلفی که افراد برای گرایش و یا اجتناب از موقعیت‌های مختلف (ویتکین و همکاران، 1979؛ به نقل از هاشمی، 1390) از جمله گرایش و یا اجتناب از تجربیات شخصی و هیجانی به کار می‌برند، اشاره دارد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سبک شناختی فرد می‌تواند حداقل تا حدودی منجر به تجربه صفات خاص و میزان خاصی از گرایش یا اجتناب از تجربیات و هیجانات بشود و این گرایش به برخی صفات شخصیتی و میزان خاصی از پذیرش تجربی بر رفتار و عملکرد فرد و از جمله بر عملکرد زناشویی او اثر گذاشته و می‌تواند موجبات رضایتمندی یا عدم رضایتمندی خود و در پی آن رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی همسرش را فراهم کند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر کنترل

الگوهای ارتباطی نقش دارد (لاری، تیندال و جیمز¹، 1985) که اگر فرد از سبک منعطفی برخوردار باشد پس منطقاً پذیرش بیشتری هم دارد. یادگیری پذیرش و تعهد باعث کاهش فرسودگی زناشویی و بهبود وضعیت زناشویی (مرشدی، داورنیا، زهراکار، محمودی و شاکرمی، 2016) و افزایش شادی زوجین می‌گردد (عظیمی‌فر، فاتحی‌زاده، بهرامی، احمدی و عابدی، 2016).

از سویی دیگر، چون صفات شخصیت و تفاوت‌های فردی با خلق، هیجان و پاسخ‌دهی محیطی همبسته می‌باشند (کور، 2008)، بنابراین برخی صفات شخصیت افراد به‌ویژه در تعامل با سبک شناختی آنان منجر به این می‌شود که فرد نسبت به هیجانات شخصی و موقعیت‌ها و محرک‌های محیطی پاسخ‌دهی و پذیرش متفاوتی داشته باشد. علاوه بر این وقتی افراد بتوانند هیجانات خود را درک کنند و از هیجانات خودآگاهی داشته باشند، پذیرش آن‌ها نسبت به هیجان‌اتشان نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (خانزاده و همکاران، 1392). بنابراین نگرش عمیق‌تر افراد کاوش‌کننده به جستجوی اطلاعات و یادگیری (دیزت و مارتینس، 2003؛ مارتینسن و فورنهام، 2015) می‌تواند در مورد گسترش دیدگاه و فهم حالات درونی و هیجانات نیز انجام شود و فردی که به خاطر کاوش فعال در خودش و محیط به اطلاعات بیشتر و در نتیجه به تغییر و انطباق بیشتری می‌رسد اگر جایی هم دچار اشکال و اشتباه شود، بنا به دلایل مختلف از جمله برای پیشگیری از تجربه هرگونه حالات هیجانی منفی در خود که ممکن است به دیگران نیز

2. Cheung, Van de Vijver, Leong

1. Larry, W. Tyndall., & James

علی رسولی و همکاران: مقایسه صفات شخصیت و پذیرش - تعهد در میان متأهلین دارای سبک شناختی جذب‌کننده و ...

رسیدن به چنین هدفی پیشنهاد می‌گردد پژوهش-
هایی بیشتر با کنترل مواردی مانند کمتر کردن دامنه
سنی شرکت‌کنندگان، کنترل میزان زمان زندگی
مشتری زناشویی شرکت‌کنندگان و کنترل عامل
فرهنگ، صورت گیرد.

نشدن میزان زمان زندگی مشتری و زناشویی زوجین
و عدم کنترل فرهنگ قومیتی بود که علی‌رغم نمونه-
گیری از یک شهر باز هم تفاوت‌های فرهنگی دیده
می‌شد. بر همین اساس ضروری است تا رابطه‌ی
میان این متغیرها روشن‌تر و نظام‌مندتر شود که برای

منابع

- Abbasi, I.; Fata, L.; Moloudi, R. & Zarabi, H. (2013). Psychometric adequacy of the Persian version of Acceptance and acting questionnaire - Second Edition. *JPM*, 3(10): 65-80. [persian]

- Amanelahi, A.; Heydarianfar, N.; Khojastehmehr, R. & Imani, M. (2014). "Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) in the Treatment of Distressed Couples". *Biannual Journal of Applied Counseling*, 4 (1): 103-119. [persian]

- Azimifar, S.; Fatehizadeh, M.; Bahrami, F.; Ahmadi, A. & Abedi, A. (2016). "Comparing the Effects of Cognitive-Behavioral Couple Therapy & Acceptance and Commitment Therapy on Marital Happiness of Dissatisfied Couples". *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 3, 2: 56-81. [persian]

- Basharpour, S.; Shafiei, M. & Daneshvar, S. (2015). "The Comparison of Experimental Avoidance, Mindfulness and Rumination in Trauma-Exposed Individuals with and Without Posttraumatic Stress Disorder (PTSD) in an Iranian Sample". *Archives of Psychiatric Nursing*, 29: 279-283. [persian]

- Behrouz, B.; Mohammadi, F.; Aliabadi, Sh.; Kajbaf, M. B.; Heidarizadeh, N. & Behrouz, B. (2014). "A Comparison

between Personality Traits and Attribution Styles of Normal Couples and Divorce Petitioners". *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 15, 1 (55): 52-61. [persian]

- Behrouz, B.; Mohammadi, F.; alihabadi, S.; Kajbaf, M. B.; Haidarizadeh, N. & Behrouz, B. (2014). "A Comparison between Personality Traits and Attribution Styles of Normal Couples and Divorce Petitioners". *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 3, 15 (55): 52-61. [persian]

- Beyrami, M.; Hashemi Nosrat abad, T.; Alizadeh Goradel, J. & Alizadeh, H. (2012). "Prediction of social problem solving ability of students based on their cognitive styles". *Social Cognition*, 1(1): 77-84. [persian]

- Cakı, N.; Asfuroglu, L. & Erbas, O. (2015). "The Relationship between the Level of Attachment in Romantic Relations, Affective Commitment and Continuance Commitment towards Organization: A Field Research". *Procedia Economics and Finance*, 26: 1007 – 1013.

- Cheung, F. M.; Cheung, S. F.; Zhang, J.; Leung, K.; Leong, F. & Huiyeh, K. (2008). "Relevance of openness as a personality dimension in chinese culture: Aspects of its cultural relevance". *Journal of Cross-cultural Psychology*, 39, 81-108.

- Cheung, F. M.; Van de Vijver, F. J. R. & Leong, F. T. L. (2011). "Toward a new approach to the study of personality in culture". *American Psychologist*, 66 (7): 593-603.
- Corr, P. J. (2008). *The reinforcement sensitivity theory*. In P. J. Corr (Ed). The reinforcement sensitivity theory of personality. Cambridge: Cambridge University Press.
- Delavare, A. (2002). *Research Methodology in Psychology and Science Education. Fourth Edition*. Tehran: Publication Virayesh. [persian]
- Diseth, A. & Martinsen, Ø. L. (2003). "Approaches to Learning, Cognitive Style, and Motives as Predictors of Academic Achievement". *Educational Psychology*, 23(2), 195-208.
- Fincham, F. D. (1994). "Cognition in Marriage: And Future Challenges Current Status". *Applied & Preventive Psychology*, 3, 185-198.
- Forman, E. M. & Herbert, J. D. (2008). *New directions in cognitive behavior therapy: acceptance based therapies, chapter to appear in w. o'donohue, je. Fisher, (Eds), cognitive behavior therapy: Applying empirically supported treatments in your practice, 2nd ed.* Hoboken, NJ: Wiley, 3(1): 263-265.
- Garnefski, N.; Baan, N. & Kraaij, V. (2005). "Psychological distress and cognitive emotion regulation strategies among farmers who fell victim to the foot-and-mouth crisis". *Pers Individ Dif*, 38(6): 1317-1327.
- Garoosi Fareshi, M. T.; Mehryar, A. H. & Ghazi Tabatabaee, M. (2001). "Application of the NEOP I - R Test and analytic Evaluation of its characteristics and factorial structure among Iranian university student". *Journal of Human Sciences Alzahra*, 11 (39): 173-198. [persian]
- Ghotbi-varzaneh, A.; Zarghami, M.; Saemi, E. & Maleki. (2012). "The Effect of Cognitive Styles on Accuracy: The Role of Working Memory". *Development & Motor Learning*, 4(2): 61-78. [persian]
- Griffin, A.S.; Guillette, L.M. & Healy, S.D. (2015). "Cognition and personality: an analysis of an emerging field". *Trends in Ecology & Evolution*, 30(4): 207-214.
- Hakimi, C.; Hejazi, E. & Lavasani, Gh. (2015). "A Study of the Relationships between Cognitive styles and Personality Traits with Academic Achievement in Tehran University Students". *Journal of Personality & Individual Differences*, 3(6): 1-25.
- Harris, R. (2006). "Embracing your demons: An overview of acceptance and commitment therapy". *Psychotherap Aust*, 21(4), 2-8.
- Hashemi, S. (2011). "A Study of the Role of Personality Traits and Cognitive Styles in Approaching and Avoiding Arguments". *JMPR*, 6(22), 171-196.
- Hayes, S. C. & Strosahl, K. D. (2010). *A practical Guide to Acceptance and commitment therapy*. New York: Springer Science and Business Media Inc.
- Hayes, S. C.; Strosahl, K. D. & Wilson, K. (2004). "Measuring experiential avoidance: A preliminary test of a working model". *Psychological record*, 54: 553-578.
- Hong, J.C.; Hwang, M.Y.; Tam, K.P.; Lai, Y.H. & Liu, L.C. (2012). "Effects of cognitive style on digital jigsaw puzzle performance: A GridWare analysis". *Computers in Human Behavior*, 28(3): 920-928.

- Hosseini, A.; Zahrakar, K.; Davarniya, R.; Shakarami, M. & Mohammadi, B. (2015). "The Relationship between Marital Commitment with Personality Traits". *Bimonthly Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 22, 5: 787-796. [persian]
- Hosseini Nasab, D.; Roen, H. & Soltanoghorabi, K. (2006). "Study of cognitive styles (learning styles) personality factors students of Tabriz University". *Journal of Tabriz University*, 1 (2 & 3): 77-114. [persian]
- Hossieni, Z.; Kholghi, Z.; Jaberi, S.; Sedighi, A.; Salehi, V.; Tafvizi, M.; Jazayeri, R. S. & Fatehi Zadeh, M. S. (2013). "Comparison of conflicting couples' personality traits and normal using NEO Personality Inventory 5 factors". *Scientific Journal of Forensic*, 19(1 & 4): 165-173. [persian]
- Karekla, M. & Panayiotou, G. (2011). "Coping and experiential avoidance: Unique or overlapping constructs"? *Journal of Behavior Therapy and Experiential Psychiatry*, 42, 163-170.
- Kashdan, T. B.; Breen, W. E.; Afram, A. & Terhar, D. (2010). "Experiential avoidance in idiographic, autobiographical memories: Construct validity and links to social anxiety, depressive, and anger symptoms". *Journal of Anxiety Disorders*, 24, 528-534.
- Keshavarz, M.; Jafari, A.; Salahshor, M., Vaziri, S. A. (2013). Study of the Relationships between Cognitive styles, Personality Traits and Academic Achievement. *Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*, 1(1): 11-19. [persian]
- Khanzadeh, M.; Edrisi, F.; Muhammadkhani, SH. & Sa'idian, M. (2013). "Factor Structure and Psychometric Properties of Emotional Schema Scal". *Journal of Clinical Psychology Studies*, 3(11): 91-119. [persian]
- Khodarahimi, S. & Rasti, A. (2015). "The roles of fatigue, depression, and Big Five Personality traits in males with and without multiple sclerosis disease". *Clínica y Salud*, 26(2): 91-96. [persian]
- Larry, W. Tyndall. & James, W. (1985). "Spouses' cognitive styles and marital interaction patterns". *Journal of Marital and Family Therapy*, 11(2), 193-202.
- Li, M.L. & Armstrong, S.J. (2015). "The relationship between Kolb's experiential learning styles and Big Five personality traits in international managers". *Personality and Individual Differences*, 86, 422-426.
- Ling, ch., Salvendy, g. (2009). "Effect of evaluators' cognitive style on heuristic evaluation: Field dependent and field independent evaluators". *International Journal of Human-Computer Studies*, 67(4): 382-393.
- Martinsen, Ø. L & Age Diseth. (2011). "The Assimilator-Explorer Cognitive Styles: Factor Structure, Personality Correlates, and Relationship to Inventiveness". *Creativity Research Journal*, 23 (3): 273-283,
- Martinsen, Ø. L. (1995). "Cognitive styles and experience in solving insight problems: Replication and extension". *Creativity Research Journal*, 8, 291-298.
- Martinsen, Ø. L. & Diseth, A. (2011). "The factor structure of the Assimilator-Explorer Inventory-revised". *Creativity Research Journal*, 23, 273-283.
- Martinsen, Ø. L., Furnham, A. (2015). "Cognitive styles and performance on complex, structured tasks". *Learning and Individual Differences*, 42, 106-109

- Moosavi, M. S.; Rashidi, A. & Golmammadian, M. (2016). "Effectiveness of acceptance and commitment therapy on increasing marital satisfaction of the veteran and freedman wives". *Biannual Journal of Applied Counseling*, 5 (2), 97-112. [persian]
- Morgan, B. (2008). "The relationship between the big five personality trait and burnout in south African university students". [Dissertation], Magister Artium in Psychology, faculty of humanities, University of Johannesburg.
- Nabizade Asl, D. & Mirzaei, M. (2016). "The Relationship between Cognitive Insight, Life Style and Marital Satisfaction among the Students of Urmia Islamic Azad University". *Technical Journal of Engineering and Applied Sciences*, 6(2): 51-54
- Naimie, Z.; Abuzaid, R. A.; Siraj, S.; Shagholi, R. & Hejaili, H.A. (2010). "Do you know where I can find the new center which is called "Cognitive styles and language learning strategies link"? *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2): 497-500. [persian]
- Ng, A. K.; Ho, D. Y.; Wong, S. S. & Smith, I. (2003). "In search of the good life: A cultural odyssey in the East and West". *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 19(4): 317-363.
- Nikogoftar, M. (2007). "Relationship between stepwise of values and general health". *Psychological Research*, 10(1 & 2): 79-92. [persian]
- Ozura, A.; Ihan, A. & Musek, J. (2010). "Can the big five factors of personality predict lymphocyte counts"? *Psychiatria Danubina*, 24 (1): 66-72.
- Peterson, B. D.; Eifert, G. H.; Feingold, T. & Davidson, S. (2009). "Using Acceptance and Commitment Therapy to Treat Distressed Couples: A Case Study WITH Two Couples". *Cognitive and Behavioral Practice*, 16, 430-442. [persian]
- Petrides, K.V. & Furnham, A. (2003). "Trait emotional intelligence: Behavioral validation in two studies of emotion recognition and reactivity to mood induction". *European Journal of Personality*, 17, 39-57.
- Pourfaraj Omran, M. (2011). "The Effectiveness of Acceptance and Commitment Group Therapy in Social Phobia of Students". *Knowledge & Health*, 6(2): 1-5. [persian]
- Rajabi, S. & Yazdkhasti, F. (2014). "The Effectiveness of Acceptance and Commitment Group Therapy on Anxiety and Depression in Women with MS Who Were Referred to the MS Association". *Journal of Clinical Psychology*, 3. 6 (1): 29-38. [persian]
- Ridding, R. & Cheema, I. (1991). "Cognitive Styles: An Overview and Integration". *Educational Psychology*, 11(3/4), 193- 216.
- Roberts, M. J. & Newton, E. J. (2001). "Understanding Strategy Selection". *International Journal of Human-Computer Studies*, 54, 137 - 154.
- Rogoff, L. (2013). "The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States". *Individual & family studies*. Walden University, 166; 3551404.
- Roshan Chesly, R. (2006). "Investigate psychometric characteristics of 5-Factor Personality Inventory NEO (NEO-FFI)". *Daneshvar Raftar*, 16, 27-36. [persian]

- Sabatelli, R. M. (1982). Paper presented at the Annual Meeting of the National Council on Family Relations. (Washington, DC, October 13-16, 1982).
- Sadock, B.J. & Sadock, V.A. (2001). *Kaplan & Sadock Synopsis of Psychiatry (translated by: F: Rezaee)*. Tehran: Arjmand. p: 323-5.
- Schulte, M.J.; Ree, M.J. & Carretta, T.R. (2004). "Emotional intelligence: not much more than g and personality". *Personality and Individual Differences*, 37, 1059-1068.
- Smith, E. S. (2001). "The relationship between learning style and cognitive style". *Journal of Personality and Individual Differences*, 77, 434-445.
- Soliemanifar O.; Behroozi N. & Safaei - Moghaddam M. (2015). "Role of Personality Traits, Learning Styles and Metacognition in Predicting Critical Thinking of Undergraduate Students". *Bimonthly of Education Strategies in Medical Sciences*, 8(1):59-67.
- Statistical Center of Iran. (2005). "The statistical annals of the country. Producer: President, Management and Planning Organization". *Publication: Tehran, Office of the President, Public Relations and International Cooperation*.
- Sternberg, R. J.; Grigorenko, E. L. & Zhang, L. (2008). "Styles of learning and thinking matter in instruction and assessment". *Perspectives on Psychological Science*, 3, 486-506.
- Swider, B. W., & Zimmerman, R. D. (2010). "Born to burnout: A meta-analytic path model of personality, job burnout and work outcomes". *Journal of Vocational Behavior*, 76 (3): 487-506.
- Tang, J. H.; Chen, M. C. H.; Yang, CH. Y.; Chung, T. Y. & Lee, Y. A. (2016). "Personality traits, interpersonal relationships, online social support, and Facebook addiction". *Telematics and Informatics*, 33, 102-108
- Tanwir, U. H.; Aditya, K. S. & Banshi, D. (2010). "An investigation of relationship between learning styles and performance of learners". *International Journal of Engineering Science and Technology*, 2(7): 2813-2819.
- Walser, R. D.; Garvert, D.W.; Karlin, B.E.; Mickey Trockel, M.; Ryu, D.M. & Taylor, C.B. (2015). "Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy in treating depression and suicidal ideation in Veterans". *Behaviour Research and Therapy*, 74, 25-31
- Watson, D. & Hubbard, B. (1996). "Adaptational style and dispositional structure: coping in the context of the Five-factor model". *Journal of Personality*, 64, 735-774.
- Yan, J. H. (2010). "Cognitive styles affect choice response time and accuracy". *Personality and Individual Differences*, 48(6): 747-751.
- Zaree Mahmmod Abad, H. (2013). "Investigate the relationship between attachment styles and personality traits as predictors of divorce tendency ordinary couples in divorce applicant". *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 2 (4): 554-571. [persian].